

در اینصورت نمیدانم کمیسیون چه طور شتر را آنقدر قابل فرض کرده است که بکتومان نوشته است!!
 و از فرار صد سده و بیست مالیات يك شتر چقدر باید باشد و بند پیشنهادی هم راجع بگوسفند کرده ام که اگر اجازه بفرمائید حالا عرض میکنم که تکرار نشود
 ملاحظه بفرمائید يك گوسفند چقدر مابدی دارد البته در همه جا ملاحظه فرموده اید که هر کجا گوسفند را بدهند بعد از سه سال بصاحبش نیمه می آید از زرد سیر یا ده سیر روغن با قدری گشک باو میدهند.

بالاخره وقتی حساب کنیم در تمام نقاط مختلفه مملکت رو چه گرفته ایم من روغن منتهی هشت قران یا شش قران قیمت دارد و بعضی جاهام که پنج قران قیمتش است همه جا مثل طهران نیست که روغن منی دو تومان باشد با این حال باز يك تومان شتر نمیشود.
 آنوقت ملاحظه بفرمائید که اگر حد وسطش را هم هفت قران یا هشت قران بگیریم چقدر می شود يك قران تقریباً صد یا نوزده می شود در صورتی که شما مالیات املاک را صد سه و نیم قرار داده اید.

علت اینکه توجهی بصاحبان گوسفند نشده است چیست؟ در صورتیکه این استثناء ما را هم که شما در این قانون قائل شده اید و غالباً اهالی دهات مالیات نمی دهند.

زیرا برای زندگانی خودشانست و این مالیات را غالباً عشایر و ایلات میدهند یعنی آنکسانیکه در آفتاب ها زندگانی می کنند و از فوائد زندگانی و تمدن بی بهره هستند و بچه هایشان نه مدرسه میروند و نه تحصیل میکنند و اگر هم مریض شوند مجانی به آنها دوا نمی دهند و بالاخره استفاده هایی که در شهرها می شود در آنجا ها نمی شود و هیچ توجهی هم نسبت بآنها نمی شود.

در اینصورت علت چیست که این قدر مالیات بر آنها تحمیل شود که برای شتر بکتومان و برای گوسفند يك قران و برای بز یا نوزده شاهی مالیات بدهند و این مالیات خیلی زیاد است و حالا که میخواهید يك مالیاتی بر اینها ببندید پس لااقل طوری باشد که نزدیک به عدالت باشد زیرا اینها يك چیزهایی است که بعد از چند سال از بین می رود و مثل ملك نیست که اصلش باقی بماند.

مغیر - بنده استدعا میکنم پیشنهاد آقای افسر و سایر پیشنهادات را ارجاع بفرمائید بکمیسیون تا مطالعاتی در پیش نهادها بشود و مجدداً راپورت جدیدی در این باب تقدیم شود.

رئیس - ارجاع این پیشنهاد را چون مغیر کمیسیون خواسته اند باید قبول شود

بنابر این با ماده ارجاع می شود بکمیسیون سایر پیش نهادات هم ارجاع می شود به کمیسیون.
 بعضی از نمایندگان - جلسه را ختم بفرمائید.

معاون وزارت مالیه - دو فقره لایحه است تقدیم مجلس شورای ملی می شود یکی برای استخدام و اهر تکامف متخصص شیمی و یکی هم مستمری برای فتح الله نام سوار کمرک که در حین خدمت مقتول شده است.

رئیس - هر دو ارجاع می شود به کمیسیون بودجه قدیم جلسه آتی روز يك شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر.
 شیروانی - بنده در دستور عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید شیروانی - عرض کنم در يك جلسه قبل راجع به بعضی عرایضی که بکمیسیون عرایض داده میشود در اینجا يك تذکراتی دارم و مخصوصاً راجع بشکایاتی که از وزارت پست و تلگراف شده است بنده تقاضا کردم که از کمیسیون عرایض راپورتی در این باب بمجلس داده شود ولی حالا که آقایان خیلی اصرار دارند که راپورت ممیزی در اول دستور باشد.

لهذا بنده تقاضا میکنم که بعد از راپورت ممیزی آن مسئله جزو دستور شود و الان هم آقای رئیس کمیسیون عرایض توضیحاتی خواهند داد و بعد از قانون ممیزی آن راپورت جزو دستور گذارده شود
 رئیس - هر وقت راپورت حاضر شد مطابق نظامنامه عمل خواهد شد.
 دستور جلسه آتی هم بقیه دستور امروز.

جمعی از نمایندگان - صحیح است (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین منشی - م. شهاب منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۲۴
صورت مشروح مجلس
یکشنبه هشتم آذرماه
هزار و سیصد و چهار
مطابق دوازدهم جمادی الاولی
هزار و سیصد و
چهل و چهار
 مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید
 صورت مجلس پنجشنبه پنجم آذرماه را آقای میرزا شهاب الدین قرائت نمودند
 رئیس - آقای حاج آقارضا رفیع (اجازه)

حاج آقارضا رفیع - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس آقای رضوی . (اجازه)

رضوی - قبل از دستور عرض دارم .
 رئیس - آقای دست غیب (اجازه)
 دست غیب قبل از دستور رئیس - آقای حاج حسن آقاملک حاج حسن آقاملک - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقای میرزا سید حسن کاشانی - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه عریضه عرض کرده بود و استعجازه کرده بودم .

رئیس - اصلاح می شود آقای دکتر آقایان .

(اجازه)
 دکتر آقایان - اگر اشتباه نکنم بنده را هم غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده معذور بودم و قبلاً هم اجازه خواسته بودم .

رئیس - غائب با اجازه نوشته شده نسبت به ورت مجلس دیگر ایرادی نیست ؟
 (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای حاج آقارضا رفیع (اجازه)

حاج آقا رضارفعیه - چند جلسه است که خیلی اهالی مملکت خوشوقتند که قانون ممیزی در مجلس مطرح است کیلانی ها هم تشکر دارند از این مسئله ولی يك اعلانی در رشت منتشر کرده اند که خیلی باعث تعجب شده باینکه اینجا الان مشغول گذراندن قانون ممیزی هستیم و بموجب قانون اساسی مالیات را دیگران نمی توانند تغییر و تبدیل بدهند
 يك امری شده است از طرف وزارت مالیه بمالیه کیلان در هر مجلسی مالیات همین و برقرار و اضافه کرده است مجلسی که دو تومان بوده است سه تومان کرده است . بالاخره کاری باینها ندارم اخیراً می نویسد نظر باینکه مالیات هده استه خیلی تأخیر شده است از رعایا و مالکین تقاضا میشود مالیات خود را مطابق ترتیب فوق بمالیه بپردازند و قبض رسمی دریافت دارند .

بنده از مقام ریاست و همکاران محترم خود استدعا میکنم که اجازه بدهند از طرف مجلس نوشته بشود بوزارت مالیه مادام که قانون ممیزی از طرف مجلس نگذشته است تحمیل جدیدی با اهالی کیلان نکنند .

بعضی از نمایندگان - همه ایران حاج آقارضا رفیع بلی اخیراً همه جا این قبیل تکالیف - ده و چون مردم در بشازند مستدعی هستم نوشته شود که اسباب زحمت مردم را اهم ننمایند عرض دیگر اینکه از آنطرف بای کیلان بهار را می بندیم و از آنطرف هم کتک میزنیم میگوئیم بدوید این نمیشود .

از اینطرف میگوئیم بدهید از آنطرف هم گفته اند برنج صدری حمل بکنند برنج صدری خریدار زیاد دارد و هیچوقت آذوقه طهران نبوده است

برنج صدری تهران را از مازندران می آورند به علاوه اگر این برنج هم در رشت بماند بطهران نمی آید چون وسائل نقلیه نیست الان مال التجاره مانده است نفت گران شده قند گران شده و همه چیز گران شده و وسائل نقلیه نیست که بیاورد

این صدها خروار و هزارها خروار گندم که خریداری شده است اگر آنها را نقل نگاه ان بکنند کافی است برای اینکار خیلی زیاد است

استدعا می کنم چون قریب پنجاه نفر از تجار کیلان مبالغی بیش فروش کرده اند بروسها و همین طور مانده است و هر یوطی دو تومان اگر نرسد باید جریمه بدهند و چندین نفر در شکست خوانند شد استعدا می کنم امر شود برنج صدری آزاد باشد پارسال هم همین امر شد مردم راحت شدند .

جمعی از نمایندگان - دستور رئیس - وارد دستور - پیشوی بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهادی از طرف جمعی از آقایان راجع بتجدید رای نسبت بشهریه جمشید خان افشار رسیده است قرائت می شود .

(پیشنودن ذیل قرائت شد)
 امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایم بلا یحه شهریه جمشید خان افشار (مجد السلطنه) برای تمین تکالیف رای گرفته شود .

هدل . اسکندری . طباطبائی دیبا . میرزا آقا خان عصر انقلاب . روحی . امامی خوئی . عظیمی . رهنما . تجدد . حسین صدرائی . هرهزی . افشار . سهراب زاده . انجمنی . دیوان بیگم . رضا حکمت . ابراهیم ضیاء . حسن ملک .

رئیس - آقای رهنما توضیحی نسبت به پیشنهاد خود دارید بدهید
 رهنما - باید از يك معالف ممکن است عرض کنم .

نظر باین که این مسئله بلا تکلیف مانده است و رای قطعی اتخاذ نشده باین جهت پیشنهاد کردیم بتجدید رای شود و تکالیف قطعی معین شود
 از طرف دیگر هم آقایان تعقیبات

باشد که از عیادت چیزی کسر کند بنده می بینم از موقبعه این قانون تقدیم مجلس شد از میزان صدی پنج صکه پیشهاد شده بود برای برداشت از کل محصول صدی چهار که بعد از طرف کمیسیونها پیشهاد شد تمام اینها منتهی شد برداشت عایدات صدی سه در مقابل نسبت بود دیگر هم یک تصرفات و بد اخلاقی شده است که بالاخره از آن مقدار عایدی که در اداره کار از روی حساب در نظر گرفته بودیم مقداری کسر شده است .

بنده می بینم در ضمن مذاکراتی که مربوط بالایحه ممیزی است بر می خوریم به اینکه يك مالیاتهای هم که برقرار است اینها هم امروز لغو شود و بالاخره نتیجه این می شود که مجلس يك لایحه ممیزی سلامتی بدست ما می دهد که با آن حسابی که عرض کردم که در وزارت مالیه دقیقاً از روی احصائیه گردید منتهی به این میشود که يك مقدار هنگفتی کسرو نکس مالیاتی خواهد بود در مقابل خرج هم ثابت است .

بنده از این کلیات اصلاح خارج میشود و کارندارم که موازنه عایدات چه میشود اینها يك کلیاتی است که البته در نظر آقایان هست ولیکن همچو تصور میکنم قضیه پیشهادی که شده است نسبت به مالیات ارضی تنها کو وتونون يك امری است زیاد بدیهی و روشن که زیاد هم نباید بنده توضیح بدهم اگر مالیات ارضی برای توتون و تنباکو اصلاً نباید باشد و اگر باید کسرو در خارج مالیات دخانیات باید اظهار نظری بشود اینها تمام يك مسائلی است که نه فکرش و نه موقمش از دست ما گرفته شده است در کمال خوبی در هر موقعی می شود يك همچو لایحه ای یا طرحی همه قسم چه از طرف دولت و چه از طرف مجلس پیشهاد بشود و در آن مذاکره شود آن وقت آنچه مجلس رای بدهد در موقع خودش عمل خواهد شد .

ولی يك مقدمه لازم دارد و آن این است که بنده در کمیسیون هم بطور تفصیل عرض کردم و الا آن هم ممکن است اجمالاً برای استحضار خاطر آقایان محترم عرض کنم مالیات دخانیاتی که امروز در دست داریم که يك جمله از عایدات مملکتی از روی يك حسابهای است . کسروای در نظر نگرفته ایم . احصائیه کم کرد را گرفته ایم بعد از آن مالیات ارضی را هر قدر در هر جا وصول میشده است در نظر گرفته ایم . قسمت مالیات غیر مستقیم را که بموجب لایحه جدید از مجلس گذشته است و دریافت میکنیم آنرا علاوه کرده ایم و مجموع اینها عبارت شده است از يك عایدی که

بسیار خوب حالامانی ندارد آقایانی که مایل هستند باینکه مالیات توتون و تنباکو قسمت ارضی آن از بین برداشته شود (دیروز هم عرض کردم) با کمال افتخار حاضریم دفاتر احصائیه و نوشتجات بر آورد سنوات گذشته ، هده السه جاری تمام اینها را بگذاریم جلو و ببینیم خسارتان چقدر است . مصرف معلی چقدر است . چقدر کشت می شود در پنج سال پیش چقدر میشده .

حالا که میفرمایید کسرو شده است و اراضی زراعت افتاده است چقدر کم شده است تمام اینها را با رقم صحیح در نظر آقایان میگذاریم شاید آنچه را که در نظر میگیرند همچو باشد که باید بیشتر از این پیشهاد شود و شاید از لحاظ اقتصادی و رعایت امور اقتصادی مملکت همچو لازم شود که دفتهای دیگری هم در آن بشود شاید هم همچو صلاح دید شود که باید عملی - العجاله همینطور گذاشت .

در هر صورت مقصود عرض بنده این است که يك امری با مطالعه بشود اگر آقایان در اینجا يك رائی صادر فرمائید البته مطاع است و فوراً بموقع اجرا گذارده میشود و ایکن ملاحظه فرمائید که نسبت بامور مالیاتی معمول همه جای دنیا این است که قبل از این که رای داده شود از روی احصائیه و ارقام و دفاتر و صورت کم و بیش آن دیده می شود بعد رای داده میشود و الا مجلس هر رائی بدهد البته اطاعت میشود

امامی - يك دفته دیگر قرائت شود .

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - رای گرفته میشود بقبالی توجیه بودن این تبصره تقاضا شده است با ورته رای گرفته شود قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل تقاضا میکنند در تبصره رای باورقه گرفته شود .

سلطانی - دستغیب . عدل . مزارعی . یعقوب الموسوی .

سلطانی - بنده پس میگیرم رئیس - آقای سلطانی پس گرفتند . بنابراین دیگر رای باورقه موضوع ندارد رای می گیریم بماده پنج آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

ضیاء - بنده باخطار دارم رئیس - اشتباه شد آقایان بخشید ضیاء - آقا بنده باخطار دارم رئیس - قبل از اخطار جناب عالی بنده خودم عرض کردم رای میگیرم بقبالی توجیه بودن تبصره پیشهادی آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قبایل توجه میداند قیام فرمایند .

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب شد . رای برت کمیسیون قوانین مالیه راجع بماده هفت عشر حاست ماده شش در جلسه سابق تصویب شده است .

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده هفتم - مالیات حیوانات بر اذیل دریافت خواهد شد

شرعاً و بر سه سال در ده قران . مادبان - سه ساله هشت قران . اسب سه ساله شش قران . قاطر سه ساله شش قران . ماده گاو سه ساله پنج قران . الاغ سه ساله یک قران . میش دوساله یک قران . بز دوساله پانزده شاهی

تبصره ۱ - مالیات فوق حیواناتی که اطاق خواهد گرفت که نواقل ماهیانه نمیدهند

تبصره ۲ - عواید زراعت از قبیل گاو کار و گاو میش و الاغ و اسب و قاطر که بخیش بسته شود و احتیاجات زراعتی را مرتفع سازد و از تادیبه مالیات معاف است .

تبصره ۳ - مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذیل معافند

هر خانوار شتر یک نفر . بز و میش پنج رأس . مادبان و اسب و قاطر و الاغ يك رأس ماده گاو و یا ماده گاو میش يك رأس

تبصره ۴ - ممیزی حیوانات نسبت به يك قریه و یا قریه و بلوک و یا طایفه و یا عشیره به طور جمعی خواهد بود و مالیات بطریق فوق همه ساله مأخوذه میشود

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - این ماده در خبر سابق که آمد بنده میدم که خیلی از آقایان مخالفند بر گشت بکمیسیون و متأسفانه حالا خیلی شدیدتر آمده اولاً بنده در طرز عمل این ماده فکر میگردم و اشکال داشتم که چطور عملی خواهد شد

آیا این ممیزی جمعی خواهد بود یا فردی یعنی در هر دهی که پنجاه گوسفند دارد میروند ممیزی می کنند واز همان صاحب گوسفند خواهند گرفت یا اینکه این در رابطه بطور کلی ممیزی میکنند و آنوقت هر سال می آیند از همه ده می گیرند

هر دو قسمتش بنظر خیلی مشکل میشود اما آن شکل اولش که فوری بود چون پنج سال قرارداد داده بودند ممکن بود این صاحب گوسفند بفروشد یا گوسفندش تلف شود آنوقت همه ساله می آیند مطالبه می کنند

از طرفی طوریکه کمیسیون اینچادر نظر گرفته مینویسد :

ممیزی حیوانات نسبت بقریه و یا قریه یا بلوک یا طایفه یا عشیره بطور جمعی خواهد بود و مالیات بطریق فوق همه ساله مأخوذ میشود این بعقیده بنده ظلمش بیشتر شده

برای اینکه يك دمی که پنجاهزار گوسفند دارد مالك اینها ستاخر چهار نفر است این دمرا میروند ممیزی می کنند می بینند پنجاهزار گوسفند دارد آنوقت از این ده میگیرند یعنی چه ؟ یعنی از تمام اهله وقتی که میگردند

البته وقتی جمعی بشود و از همه بگیرند اسباب زحمت خواهد شد و مستلزم ظلم خواهد بود

اولاً بنده معتقدم که مالیات حیوانات و مراغ و مواشی باید بطور غیر مستقیم گرفته شود که هر کس که مالکش است از او گرفته شود یعنی تریبش سه ساله مرتب و منظم باشد و نمی شود حد شراناً پنجاه ساله یا ده ساله قرار داد در سابق قرار داده بودند که طرفین بعد از پنجاه سال حق دارند تجدید نظر بخواهند و عجلتاً این حد را برداشته اند

به همین دلیل بود که نوشته بود در هر پنجاه سال حق دارند تجدید نظر کنند بنده عرض می کنم این فرق دارد با اراضی ملك زیرا وقتی ملك ممیزی شد مالیات گیرنده همه ساله می رود از آن ملك مطالبه میکند و بالتبع ملكش معاموم می شود و از او می گیرند ولی در مراغ و مواشی و گوسفند باید همه ساله حق داشته باشند تجدید نظر کنند زیرا امسال پنجاهزار گوسفند ممیزی شده ممکنست همه اینها بگیرند ممکنست بفروشد ممکنست از این ده بده دیگر منتقل بشود یا اصلاً از بین برود

آنوقت چطور ممکن است که در پنج سال در صورتیکه گوسفند ما هم تلف شود مرتب مالیاتش گرفته میشود و بعقیده بنده بنا به همان فلسفه که در مدت پنجاه سال قائل می شونم که طرفین حق تقاضای تجدید نظر دارند همان فلسفه موجب است که هر سال مالیه و مودی مالیات حق داده شود که اگر بخواهند تجدید نظر بکنند یعنی این در صورتی است که بخواهند مالیات عادلانه باشد که گوسفند تلف شده را مالیات نگیرند و اگر گوسفند تلف شد مطالبه نشود و اگر هم زیاد تلف شد مالیاتش را زیاد کنند

باین لحاظ بایستد همه ساله حق تقاضای تجدید نظر بهر دو طرف یعنی هم بمالیه و هم بمودی مالیات داده شود و این را نمیشود در عداد ملك قرارداد زیرا بتبع عایدی ملك مالکش معین می گردد ولی گوسفند ممکن است اساساً از بین برود

دیگر اینکه این تبصره اول در خبر سابق نوشته شده بود مالیات فوق حیواناتی تعلق می گیرد که در شهرها نواقل ماهیانه نمیدهند و شتر و اسب و قاطر و الاغ که بعمل و نقل اشتغال دارند از اداء آن مالیات معافند

آن خبر سابق حالا فقط تبدیل شده است بهمان جمله اول و نوشته شده است فقط مالیات فوق به حیواناتی تعلق خواهد گرفت

که نواقل ماهیانه نمیدهند .

نقشه مدلت حذف آن قسمت چه چیز است در صورتی که آن حیواناتیکه نواقل ماهیانه نمیدهند و نواقل ورودی می دهند یعنی در دهات و ایالاتیکه نزدیک شهر است و ورودی خروشان از شهر است نواقل ورودی را خیلی زیاد ترمی شود و خوبی ممنون هستند که نواقل ماهیانه بدهند و نواقل ورودی نمیدهند و علاوه بر این شتریکه مشغول باکشی است در هر جا نیکه وارد میشود نواقل ورودی از او میگیرند و با ج راه را هم که میدهد

پس اگر درست حساب کنیم مالیات هائی که مشغول عبور و مرور در راهها هستند و بارکشی میکنند آنها خیلی بیشتر پول میدهند از آنها نیکه در شهرها هستند و مالیات نواقل ماهیانه میدهند و این هیچ فلسفه نداشت

بعقیده بنده باید این قسمت حذف شود و همان تبصره اول خبر سابق کمیسیون بجای تبصره حالا گذاشته شود اینها نیکه عراضی بود که نسبت باین تبصره داشتم حالا دیگر چه فلسفه پیدا کرد که کمیسیون نظرش شدت پیدا کرد نمیدانم

مثلاً مادبان آنجا پنج قران بود این جا هشت قران شده بر حسب چه بوده نمیدانم چه حسابی کرده اند من فکر کرده اند که مالیات کسر می آید

اگر هم مالیات کسر آمد ممکنست بطور غیر مستقیم مخارج دولت را تامین کرد و همه اش را نباید تحمیل بمواد اصلی زندگانی مردم کرد

مخیر - بنده می بینم هر کدام از آقایان که عنوان مخالف میکنند همان دودی را که بنده دارم اظهار میکنند ولی در این مجلس موفق نمیشوم که عالجی برایش من پریشان شد آقا مالك حیوانات پس فرادایه مالك حیوان است هر ساله مباشره خودشان در داخله ده یا آن قریه یا عشیره یا طایفه ممیزی میکنند و آن حقوقی که بآنها تعلق میگیرد میدهند فرمودند ممکن است تلف شود و بر روند بی کارشان

بعقیده بنده وقتیکه مالیات تحمیل به كمرک بشود و بلكی مردم معاف باشد آنوقت مردم خیلی راحت هستند و آسایش شان بیشتر است و زراعت هم زیاد میشود ولی بدبختانه آخر مجلس است و فرصت این که يك طرحی برای این کار تهیه کنیم که این مالیاتها را لغو کنیم و بجای آنها يك طرز دیگری اتخاذ کنیم نداریم

پس بایدهمین روز امروز يك اصلاحاتی درش بکنیم و در طرز قبیم که در مالیاتها دولت سابقاً مامله میکرد اول ظلمتاً واقعاً در نظر بگیریم و اصلاح کنیم تا بهد که خلف ما و و کردی دیگر که می آیند آنها هم البته با نظر اصلاح مملکت موافقت و يك اصلاحات

اساسی در مانیه منسک خواهند کرد يك جمله فرمودند راجع به ممیزی حیوانات یعنی اعتراض داشتند باینکه (ممیزی حیوانات نسبت به يك قسمت و یا قریه و بلوک و یا طایفه و عشیره بطور جمعی خواهد بود) فرمودند مالیات جمعی غلط است .

مازهمان نظر که هر روز ما مورمالیه نباید ممیزی بکنند و هر سال اسباب زحمت برای حیوان دارها درست بکنند دیدیم اگر خواسته باشیم مالیات را بطور فردی قرار بدهیم فقط مودی مالیات حیوانات سال اول که تشخیص داده میشود تا آخر سال هفتم همان مالیات را بپردازد این ظلم است و همان محظوراتی را که فرمودند پیش می آید .

من امسال هزار گوسفند دارم سال بعد گوسفندم را بمروم یا گوسفندم می میرد آنوقت مالیات را از شخص من مطالبه میکنند و این يك بی انصافی است و اگر خواسته باشیم اجازه بدهیم بمورمالیه که همه ساله بایده شاخه آری بکنند و گوسفندی پانزده شاهی بگیرد اینهم اختیار زیاد بمورمین مالیه دادن اسباب زحمت برای مردم درست میگردد .

خواستیم بطور مقاطعه امسال که رفت ممیزی کرد که مرتع این آبادی و قریه استعداد دارد تا صد هزار تا ده هزار تا گوسفند دارد . درده هم می بینند ترونی که رعایای این ده دارند یا مرتعی که دارند امروز دارای دوهزار گوسفند است این دوهزار گوسفند از قرار میشی یکقران و بزی پانزده شاهی مالیاتش را تشخیص می دهند و بیگوبند فرضاً صدو پنجاه تومان مالیات گوسفند این آبادی است تا پنج سال دیگر تا هفت سال دیگر و بطور جمعی این صدو پنجاه تومان را از حیوانات این آبادی مطالبه میکنند

امروز من مالك این حیوانم فردا من پریشان شد آقا مالك حیوانات پس فرادایه مالك حیوان است هر ساله مباشره خودشان در داخله ده یا آن قریه یا عشیره یا طایفه ممیزی میکنند و آن حقوقی که بآنها تعلق میگیرد میدهند فرمودند ممکن است تلف شود و بر روند بی کارشان

آفت برسد این هم در ماده دیگرش پیش بینی شده که اگر تا مقدار نصف تنزل کرد یا ضعف آن مقداریکه ممیزی کرده اند شد وزارت مالیه یا مودی مالیات هر دو حق ممیزی دارند

و این نظر تأمین شده يك فرمایش دیگر هم فرمودند راجع باینکه مالیات بعضیها زیاد شده از قبیل مادبان و شتر و اینها . آقای معاون مالیه شرحی اینچنین فرمودند که مادر تعبیر دادن مالیات قدیم رجوع بمالیاتها و دفاتر قدیممان کردیم که اگر شكش عوض شده بایدهاش تغییر نکنند منتها ظالمانه بود عادلانه

دولت پیشهاد کرد . بود شتر را دوازده قران در کمیسیون بعضی آقایان که شرکت نکرده اند در فارغ عقیده داشتند که مادبان و اسب را ما اگر بیشتر از شتر حساب نکنیم کمتر نمی توایم حساب کنیم

حاشیه شتر قیمتش کمتر از کره مادبان است . شتر دوسال يك مرتبه حاشیه می دهد . مادبان سالی یک مرتبه راست است شتر از بعضی حیوانات خرجش کمتر است ولی آفت و صدمه اش هم زیادتر است و معتقد بودند که اگر چنانچه مادبان مالیاتش زیادتر از شتر بسته نمیشود کمتر فلسفه ندارد

ولی بالاخره اکثریت کمیسیون همچو صلاح دانست که شتر را يك تومان مادبان را هشت قران معین کنند و این بنظرشان رسید تبدیل کردند و بنده هم عرض کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید آقای سید یعقوب - بلی

رئیس - من ورقه سابق را که در خارج نوشته اید مراجعه می کنم اینچنان موافق نوشته شده است

آقا سید یعقوب - بعد ماده را خرابش کرده اند

رئیس - آقای وکیل موافقید میرزا محمدخان وکیل - بلی . در قسمتهای این لایحه آنچه بنده می خواستم بگویم اغلب قسمت هایش را آقای دامغانی فرمودند آقای مخیر هم جواب مرحمت کردند ولی بیشتر شبیه بتجاهل العارف بود که خودشان را هیچ بان ایرادها آشنا نمی کردند . بنده نظر بيك دلیل دیگر هم که آقای فرزند اشاره فرمودند آقای حائری زاده هم فرمودند که ممکن است این مجلس تمام شود و بآخر برسد و شاید قصوری از مجلس بشود

بنده پریروز هم اینجا عرض کردم که خود دولت نخواهد این لایحه بگذرد و حالا عقیده ام زیادتر شد زیرا که این خبر را پانزده روز است طبع و توزیع کردند . هیچ حالا دیروز دو تبصره تقسیم شده که هیچ کدام هم شباهت ندارد

دست غیب - طبع و توزیع نشده وکیل - بسیار خوب صبح و توزیع که شده . بنده فرمایشات آقای دامغانی را تکرار نمیکنم . صرف نظر هم می کنم از این قسمتهائی که اینجا دو قران نوشته اند آنجا شش قران یا آنجا دو قران اضافه کرده اند این قسمتهارا که آقای مخیر قبول نمیکنند . چون قبول نمیکنند حرف زدن بنده هم فایده ندارد غیر از تلف کردن وقت

ولی در این جا يك قسمتش را چون آقای دامغانی فراموش کرده اند عرض میکنم در این جا در استثنائات اظهار میکنند

برای هر خانوادۀ يك نفر شتر . اینچهار برای هر خانوادۀ يك گاو ماده ششده استثنای کند در خبر سابق دوتا نوشته اند حالا اینجا يكی کرده اند باز باشد این راهم بنده عجلتاً حرفی نمیزنم ولی در این استثنائی که سابق کرده بودند يك پیش بینی خوبی کرده بودند

گویا این جا فراموش فرموده اند (امیدوارم فراموشی بوده) آنجا نوشته بودند گاو ماده ششده دوراس و در بین الهالین هم نوشته بودند

یا بتیای آن میش و بر ناده دوراس با پنج رأس . این جا فراموش شده حالا بنده نمیدانم مقتضیات آنوقت چه بوده که حالا فراموش شده . همه جا آب و هوایش يك و در نیست يك جا مقتضی است گوسفند و بز و ماده گاو یعنی مرتش طوری است که میتوانند همشان زندگی کنند همه را دارد .

يك قسمت مملکت فقط طور است که علوفه و کوهستانش میتواند بزومیش را نگاه دارد . گاو میش و ماده گاو را کمتر و در يك قسمت برعکس است بز و گوسفند را کمتر میتواند نگاهدارد

حالا چون قسمتهای این مملکت این طور است دولت یا کمیسیون مالیه آمده و ترمیم کرده یا هر چه اسمش را می خوانند بگذارند يك استثنائی قائل شده نوشته اند پنج بز يك ماده گاو يك مادبان يك اسب .

همانطوریکه اینجا شرح داده شده از این ماده که نازه نوشته اند آنجهائی که استاده ماد هر دو اینها را در دوازدهم استفاده میکنند ولی جاهائی که فقط استاده پرورش بکنند را دارد بواسطه بدی آب و هوا از یکیش استفاده می کنند

یعنی اگر يك حیاتی پنج بز داشت مستثنی است یا اگر يك ماده گاو داشت و بز نداشت فقط همان يك گاو مستثنی است ولی آن ترتیبی که سابق نوشته بودند برای مردم بهتر بود . برای دولت .

برای این مردم از اول دوره پنجم تا بحال اینهمه مالیات را برای آنها تحمیل کرده ایم . حالا خواهد دید سال دیگر چه انقلابی در این مملکت برپا میشود .

اولاً . همان ترتیبی را که پیش نوشته بودند آقای مخیر یا معاون قبول کنند و بنده هم پیشهادش را داده ام که در این تبصره سوم سوم که نوشته شده مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذیل معافند هر خانوار .

شتر يك نفر . بز و میش پنج رأس . مادبان و اسب و قاطر و الاغ يك رأس . ماده گاو میش يك رأس .

بعد از این در بین الهالین ضمیمه شده

که (در عرض آن میشوید و بزاده پنج رأس) این را بنده پیشنهاد دادیم و منظورم از دادن این پیشنهاد دو چیز است .

(والا ممکن است اگر بخواید رعیت تمام شود بعد از این تمام نمیشود اگر بخواید آباد شود بعد از این آباد نمیشود)

دو چیز است که من در این پیشنهاد نظر دارم یکی اینکه جاهای مختلف مملکت از این تبصره بتساوی و مثل هم استفاده کنند دیگر اینکه ملاحظه کنید ما از اول دوره پنجم تا بحال چندین قانون گذرانده ایم و فراموش شده (چون همینطوریکه میگذرد فراموش میشود) ولی هیچکدام تا حالا بموقع عمل گذاشته نشده سه ماه دیگر شروع میشود بعمل گذاشتن قانون نظام اجباری سرباز گیری عمومی با اجرای قانون سجل احوال قانون اوزان و مقادیر با آن ترتیبات . قانون ممیزی . این را ملاحظه فرمائید در یک سال و یک مرفه هم را برخواهند در مملکت بموقع اجرا بگذارند یک انقلاب اساسی برای این مملکت راه می اندازد بگذارید حالا که اینطور است یک فدری آرامتر و ملایمتر باشد

نظر بنده این است دیگر بیشتر از اینهم مرض نخواهم کرد بجز اینکه اینقسمت سوم را قبول فرمائید . پیشنهاد هم داده ام . معاون وزارت مالیه - بنده باید بخاطر

آقای میرزا محمد خان وکیل را قبلا مستحضر بدارم که هیچ انقلابی در این مملکت حاصل نخواهد شد نه عظیم . نه صغیر . نه کوچک . نه بزرگ نه هیچ طوری دیگر .

اینها چیزهاییست که گذشته است ضمناً هم عرض کردم که یک دو فتره لوابی که آمد در اینجا مذاکراتی بود که در کمیسیون شده بود و موافقت نظر کامل بین نماینده دولت و کمیسیون هنوز حاصل نشده بود و همه هم عجله داشتیم که لایحه ممیزی زودتر بگذرد و بآن صورت در آمده بود .

ولی مطالعات دقیقی که خاصه در این ایام زیاد در کمیسیون شد خود آقای نماینده محترم هم تشریف داشتند اغلب آقایان نمایندگان محترم هم که عضو کمیسیون نبودند برای استشاره از فکرشان آنجا دعوت شده بودند و تشریف داشتند و مذاکره فرمودند و بالاخره این ماده باین شکل تنظیم شد و در واقع رعایت مؤدی مالیات و حفظ ترتیب برای جریان و اجرای قانون و باصلاح رعایت آسایش همه چیز در این ماده جمع است و آنچه که استثنائی شده است از کاو و شتر و بز و الاغ و گوسفند و سایر دواب و همچنین ماده کاو میش حد لازم برای احتیاجات یک خانواده ملاحظه شده است .

حالا اگر آقایان بخواهند تصور فرمائید که در یک جایی که ممکن است یک قسم از این دواب وجود نداشته باشد برای آسایش

که باشکال مختلفه و عناوین مختلفه و غیر منظم از مردم قهلا وصول می شود و حالا دولت و مجلس خواسته است بشکال عادلانه و منظم تری از مردم گرفته شود که قدری راحت تر شوند .

اما راجع بقوانین متعددی که فرمودند از مجلس گذشته است و امسال یا سال دیگر بموقع اجرا بیاید بر مردم زحمت خواهد بود عرض می کنم هیچ اسباب زحمت نخواهد بود

زیرا اغلب قوانین چیزهایی است که برای تأمین آسایش مردم است مردم وقتی نباشند از قبول قانون و اطاعت قانون سربچی نکنند و آسایش آنها تأمین شود بیشتر راضی خواهند بود .

بنا بر این اینها هیچکدام نگرانی ندارد . حالا آدمی سر این ماده که قهلا مشغول مذاکره هستیم . دولت هیچ منعی بر رعیت و مؤدی مالیات ندارد و هیچ هم نخواسته است با آنها عیناتی بمذول کرده باشد .

دولت میخواهد معادل آنچه که طرف احتیاج مردم است برای مردم بگذارد که بتوانند با آن اسباب و لوازم کار بکنند هم معاش خودشان را بگذرانند هم مالیات دولت را بدهند این را بنده خیلی ساده و خلاصه عرض میکنم بنا بر این اینکه برای یک خانواده رعیت سابقاً چطور عمل میشده یا در دفعه اول چطور نوشته شده بود در دفعه دوم چطور شد در دفعه سوم چطور شده است .

او آن اقسام دیگر را هم بمقداری که در این ماده معاف شده بیاوریم او بگذاریم که استفاده بکنند چه عرض کنم . ندارد .

مقصود اینست که او بتواند شیر داشته باشد روغن داشته باشد . بز ندارد از کارش استفاده می کند . گاو ندارد از میش استفاده میکند . بز ندارد از گاو میش .

دست غیب - از خودش . معاون وزارت مالیه - از خودش دیگران استفاده می کنند .

بالاخره آنچه که در اینجا گذاشته شده است اینها قدمتیست لازم برای یک خانواده است .

بنا بر این بنده تصور می کنم آنچه بخواهیم از این مالیات بکاهیم در واقع باعث نکس مالیات می شود بخواهیم زیاد کنیم شاید بر مقدار ضرورت علاوه شده باشد اینست که در روز هم در کمیسیون (آقای وکیل هم گمان میکنم تشریف داشتند) پیشنهادات متعدد شد و نسبت بکمیت و کیفیت خیلی مذاکره شد و بالاخره نتیجه این شده است .

چون موادی که در این قانون بیشتر محل نظر است یکی همین ماده است باینکه دوتای دیگر خوب است آقایان لطف فرمائید که برای این جزئیات آنقدر معطل نباشیم که شاید بتوانیم مقدماتش را آماده بکنیم که سال آن شروع بعمل می نمائیم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمائید . (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - کافی است . پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود . (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم از بز ماده و میش علاوه بر یکسال که در مراتع چرا میکنند بیکران از بز ماده و میش علاوه بر یکسال که از طرف مالک با آنها حلقه داده می شود دهشاهی گرفته میشود .

رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - بنده تصور میکنم این موضوع موافقت از طرف آقایان اظهار خواهد شد چون فوق العاده تفاوت است معروضات و مواش یا احشام و اغنام .

در سابق هم در این مملکت ممیزی کرده اند اصطلاحاً معروضات و مواش گفته اند . نکته آنده اغنام و احشام . اگر از طرف مالک با آنها حلقه داده شود اغنام و احشام میگویند و اگر در بیابان و صحرا بچرد اصطلاحاً معروضات و مواش است و اصطلاحاً هم هست باین اصولیون که می گویند تملیق شیشی بومش مشعر بعنایت است لفظ معروضات و مواش گفتن معنی آن حیوانی که چرا می کند مرمر ماشی است نه آن بز و گوسفندی که خانگی است و آوردن خرجش را می دهند .

زیرا این بز و گوسفند برای مالک عایدی ندارد و از لحاظ شرعی هم گمان می کنم با آنها زکوة تعلق نمی گیرد خلاصه اینکه فرق است ما بین اغنام و احشام با معروضات و مواش .

هر غنمی جزء معروضات و مواش حساب نمی شود عقیده بنده این است اگر تقارن گذاشتن در آن از لحاظ قانون گذاری و اجرا و عمل مشکل است لا اقل تفاوتی از حیث تا کسش قائل شویم بگوسفند و بز و گوسفند که در مراتع است و مالکش حلقه میبرد و میدهد هیچ ندهند یا دهشاهی بدهند .

شیروانی - از کجا تشخیص داد می شود . یاسائی - خوب تشخیص داده میشود بنده از آن نقطه که حوزه انتخابیه خود است خوب اطلاع دارم یک مورد را مثال می زنم که گوسفندش زیاد است سنگس یکی از معالی است در سمنان که گوسفندش زیاد است و مطابق صورتی که اخیراً در دروزارت مالیه تهیه کرده اند شاید متجاوز از صد هزار گوسفند دارد که در کویر و بیابانات چرا می کنند .

پهلوی آن دهاتی است که سیصد چهارصد تا گوسفند دارد که میروند آذوقه می خورند می آورند آنها می دهند . بین این دوتا البته باید تفاوت باشد .

این نظریه موجب شد که بنده این پیشنهاد را کردم که تفاوتی قائل شویم بین معروضات و مواش (که اصطلاح و عنوان خاص است برای گوسفندهائی که چرا میکنند) با اغنام و احشام (که عنوان عامی است) حالا بستم است نظر آقایان .

رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده از این حیث مخالفتی با آقای یاسائی ندارم ولی چون در پیشنهادشان قید کرده اند که از بز و میش علاوه بر یکسال اگر آن را دوسال کنند بنده هم رأی میدهم .

یاسائی - قبول می کنم . آنجا بر دوسال مرقوم فرمائید .

رضوی - پس بنده هم مخالفتی ندارم مغیر - من تصور میکنم که نظر نماینده محترم فی الجمله در خود قانون تأمین شد باشد برای اینکه آن دهاتی که دوست سیصد گوسفند دارد هر زارعی پنج گوسفند دارد که آذوقه در منزل نه آن ها می دهد گوسفند پنجاه یاصد تا را نمی شود آذوقه در منزل داد و باید بصحرا برود .

گوسفند تا چهار تارا در منزل آذوقه میدهد .

میدهند .

میدهند .

میدهند .

گوسفند تا چهار تارا در منزل آذوقه میدهد .

پس گمان میکنم آن نظر آقایان تأمین شده و اگر چنانچه قانع نمی شوند کافی نیست . پیشنهادی بکنند که ما بتوانیم تفکیک بکنیم . ما نمی داریم از قبولش ولی در تفکیک اسباب زحمت است متصل بین ما مور و مالیه و موردی مالیات کشمکش است آن میگویند گوسفند و علوفه نمیدهند امروز که من آدم رفتمی چهار خروار حلف خریدی بگوسفند دادی این می - گوید خبر در عرض سال باید بدهم و این خودش زحمتی است برای رعیت و اگر بخواهید وسائل راحتش را فراهم کنید گمان میکنم استرداد فرمائید بهتر است .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی . آقایانیکه قابل توجهش می دانند قیام فرمائید . (عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای نظامی (بشرح ذیل خوانده شد)

پیش نهاد می کنم که ماده ۷ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش از احشام و اغنام که نواقل شهری و نواقل ورودی نمیدهند بقراردیل دریافت خواهد شد .

شتر علاوه بر چهار سال ۱۰ قران - مادریان علاوه بر چهار سال ۴ قران اسب علاوه بر سه سال ۳ قران قاطر علاوه بر سه سال ۳ قران - بز و میش علاوه بر دو سال دهشاهی - الاغ علاوه بر چهار سال یک قران گاو شیرده ۴ قران

رئیس آقای نظامی (اجازه) نظامی - مقصود بنده از این پیش نهاد اینست که خبیری که سابقاً از طرف کمیسیون قوانین مالیه آمده بود این ها همه در آنجا مراعات شده بود . از یک چیز در این مملکت چند دفعه باید مالیات گرفت مثلاً از شتر بنده کار ندارم که بز آدمی گیرند یا کم میگیرند . گفته شده شتر را هفت جا سرش را میبرند ولی گفته نشده که هفت جا مالیات ازش می گیرند یک شتر که ۵۰ تومان قیمت دارد در سال هجده تومان بدولت مالیات میدهد میل داشته باشید جایش را هم عرض میکنم

آن شتر بار کشی که در هر ماه چهار مرتبه بشهر وارد میشود چهار مرتبه ازش مالیات میگیرند ۴ شاهی دو قران حسابش را آقایان داشته باشند

در هر راهدار خانه که بگذرد سی شاهی ازش میگیرند چهار راه دارخانه هم که بگذرد و چهار سی شاهی شش قران داشته

در ساعتی که میخواهند بفروشد یا بخرند دو قران وقتی که بخواهند برای دولت بار کنند شتری یک قران در ماه میشود پس روی هم رفته شتر پنجاه تومان در سال هجده تومان مالیات

بلی شتر باید عایدی بدهد اما کدام شتر ؟ شتری که که بدولت عایدی نمیداده شتری که نتاج نمیدهد آن شتر شتر کلانی است شتر عروانه است که بصاحبش منفعت میدهد و خرجی برای او ندارد نه آن شتری که بیست تومان می آرد

مقصود بنده از این پیش نهاد اینست که معروضات و مواش باید بدهم و این خودش زحمتی است برای رعیت و اگر بخواهید وسائل راحتش را فراهم کنید گمان میکنم استرداد فرمائید بهتر است .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی . آقایانیکه قابل توجهش می دانند قیام فرمائید . (عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای نظامی (بشرح ذیل خوانده شد)

پیش نهاد می کنم که ماده ۷ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش از احشام و اغنام که نواقل شهری و نواقل ورودی نمیدهند بقراردیل دریافت خواهد شد .

شتر علاوه بر چهار سال ۱۰ قران - مادریان علاوه بر چهار سال ۴ قران اسب علاوه بر سه سال ۳ قران قاطر علاوه بر سه سال ۳ قران - بز و میش علاوه بر دو سال دهشاهی - الاغ علاوه بر چهار سال یک قران گاو شیرده ۴ قران

رئیس آقای نظامی (اجازه) نظامی - مقصود بنده از این پیش نهاد اینست که خبیری که سابقاً از طرف کمیسیون قوانین مالیه آمده بود این ها همه در آنجا مراعات شده بود . از یک چیز در این مملکت چند دفعه باید مالیات گرفت مثلاً از شتر بنده کار ندارم که بز آدمی گیرند یا کم میگیرند . گفته شده شتر را هفت جا سرش را میبرند ولی گفته نشده که هفت جا مالیات ازش می گیرند یک شتر که ۵۰ تومان قیمت دارد در سال هجده تومان بدولت مالیات میدهد میل داشته باشید جایش را هم عرض میکنم

آن شتر بار کشی که در هر ماه چهار مرتبه بشهر وارد میشود چهار مرتبه ازش مالیات میگیرند ۴ شاهی دو قران حسابش را آقایان داشته باشند

در هر راهدار خانه که بگذرد سی شاهی ازش میگیرند چهار راه دارخانه هم که بگذرد و چهار سی شاهی شش قران داشته

در ساعتی که میخواهند بفروشد یا بخرند دو قران وقتی که بخواهند برای دولت بار کنند شتری یک قران در ماه میشود پس روی هم رفته شتر پنجاه تومان در سال هجده تومان مالیات

بلی شتر باید عایدی بدهد اما کدام شتر ؟ شتری که که بدولت عایدی نمیداده شتری که نتاج نمیدهد آن شتر شتر کلانی است شتر عروانه است که بصاحبش منفعت میدهد و خرجی برای او ندارد نه آن شتری که بیست تومان می آرد

مقصود بنده از این پیش نهاد اینست که معروضات و مواش باید بدهم و این خودش زحمتی است برای رعیت و اگر بخواهید وسائل راحتش را فراهم کنید گمان میکنم استرداد فرمائید بهتر است .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی . آقایانیکه قابل توجهش می دانند قیام فرمائید . (عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای نظامی (بشرح ذیل خوانده شد)

پیش نهاد می کنم که ماده ۷ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر سه سال ۲ قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۴ قران قاطر ۵ قران بز ماده و میش علاوه یک سال ۱ قران الاغ یک قران گاو شیرده ۵ قران

رئیس - آقای افسر فرمائید

افسر - مقصود بنده از این پیشنهاد اینست که قبل از این جزء دستور بود بنده توضیحات مفصلی دارم که این مالیات خیلی بی تناسب است بعد که کمیسیون رفته چون بنظر بنده بدتر شده لذا قانع شدم بهمین که پیشنهاد شده بود شتر در قران

رئیس - دو - راپرت از کمیسیون قوانین مالیه رسید . جناب عالی فقط نوشته اید راپرت سابق اینکه خوانده شد راپرت اولی بود راپرتی بعد بنمره چهار داد داده اند که شتر علاوه بر سه سال ده قران

افسر - مقصود بنده همین است (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر ۳ سال ده قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۳ قران قاطر ۴ قران میش علاوه بر ۲ سال ۱ قران بز علاوه بر دوسال ۵ شاهی الاغ ۳ سال بیکران گاو شیرده چهار قران

رئیس مقصود همین بود؟ افسر - بلی با تبصره اش مغیر - این ماده برنگشته بود بیک کمیسیون و دولت با این ماده نظر موافقی اظهار می کرد موافقت با این ماده اشکال نداشت . در کمیسیون آقای افسر تشریف نیاوردند ولی بعضی از آقایانی که اعتراض داشتند مثل آقای مدرس . آقای دامغانی . آقای معظمی . آقای وکیل تشریف داشتند نماینده دولت یعنی عضو اداره که در این کار دخالت نداشت

آقای معاون و آقای وزیر مالیه تشریف آوردند و مذاکرات زیاد شد اظهار کردند که اگر ما این ترتیب خواسته باشیم شتر را که دوازده قران پیشنهاد کرده ایم یک تومان قرار بدهیم لابد هم بترخ یکی دیگر داشته

رئیس - عقیده کمیسیون چیست مغیر - موافقت ندارد

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای نظامی آقایانیکه قابل توجهش می دانند قیام فرمائید (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیش نهاد آقای افسر بدو جزء تجزیه می شود پیشنهاد کرده اند که ماده هفتم راپرت سابق کمیسیون قوانین مالیه بجای این ماده قبول شود ماده قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر سه سال ۲ قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۴ قران قاطر ۵ قران بز ماده و میش علاوه یک سال ۱ قران الاغ یک قران گاو شیرده ۵ قران

رئیس - آقای افسر فرمائید

افسر - مقصود بنده از این پیشنهاد اینست که قبل از این جزء دستور بود بنده توضیحات مفصلی دارم که این مالیات خیلی بی تناسب است بعد که کمیسیون رفته چون بنظر بنده بدتر شده لذا قانع شدم بهمین که پیشنهاد شده بود شتر در قران

رئیس - دو - راپرت از کمیسیون قوانین مالیه رسید . جناب عالی فقط نوشته اید راپرت سابق اینکه خوانده شد راپرت اولی بود راپرتی بعد بنمره چهار داد داده اند که شتر علاوه بر سه سال ده قران

افسر - مقصود بنده همین است (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر ۳ سال ده قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۳ قران قاطر ۴ قران میش علاوه بر ۲ سال ۱ قران بز علاوه بر دوسال ۵ شاهی الاغ ۳ سال بیکران گاو شیرده چهار قران

رئیس مقصود همین بود؟ افسر - بلی با تبصره اش مغیر - این ماده برنگشته بود بیک کمیسیون و دولت با این ماده نظر موافقی اظهار می کرد موافقت با این ماده اشکال نداشت . در کمیسیون آقای افسر تشریف نیاوردند ولی بعضی از آقایانی که اعتراض داشتند مثل آقای مدرس . آقای دامغانی . آقای معظمی . آقای وکیل تشریف داشتند نماینده دولت یعنی عضو اداره که در این کار دخالت نداشت

بفرازیتم تا عایدی تری را که برای سال آتی به بیش بینی شده تأمین بکنند والا نکس زیادی در عایدات پیدا میشود از این لحاظ بود که کمیسیون نادوات موافقت کرد و این ماده جدید را تقدیم کرد

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افسر بدو جزء تجزیه می شود پیشنهاد کرده اند که ماده هفتم راپرت سابق کمیسیون قوانین مالیه بجای این ماده قبول شود ماده قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر سه سال ۲ قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۴ قران قاطر ۵ قران بز ماده و میش علاوه یک سال ۱ قران الاغ یک قران گاو شیرده ۵ قران

رئیس - آقای افسر فرمائید

افسر - مقصود بنده از این پیشنهاد اینست که قبل از این جزء دستور بود بنده توضیحات مفصلی دارم که این مالیات خیلی بی تناسب است بعد که کمیسیون رفته چون بنظر بنده بدتر شده لذا قانع شدم بهمین که پیشنهاد شده بود شتر در قران

رئیس - دو - راپرت از کمیسیون قوانین مالیه رسید . جناب عالی فقط نوشته اید راپرت سابق اینکه خوانده شد راپرت اولی بود راپرتی بعد بنمره چهار داد داده اند که شتر علاوه بر سه سال ده قران

افسر - مقصود بنده همین است (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات معروضات و مواش بقراردیل تعلق خواهد گرفت

شتر علاوه بر ۳ سال ده قران مادریان علاوه بر سه سال ۵ قران اسب ۳ قران قاطر ۴ قران میش علاوه بر ۲ سال ۱ قران بز علاوه بر دوسال ۵ شاهی الاغ ۳ سال بیکران گاو شیرده چهار قران

رئیس مقصود همین بود؟ افسر - بلی با تبصره اش مغیر - این ماده برنگشته بود بیک کمیسیون و دولت با این ماده نظر موافقی اظهار می کرد موافقت با این ماده اشکال نداشت . در کمیسیون آقای افسر تشریف نیاوردند ولی بعضی از آقایانی که اعتراض داشتند مثل آقای مدرس . آقای دامغانی . آقای معظمی . آقای وکیل تشریف داشتند نماینده دولت یعنی عضو اداره که در این کار دخالت نداشت

آقای معاون و آقای وزیر مالیه تشریف آوردند و مذاکرات زیاد شد اظهار کردند که اگر ما این ترتیب خواسته باشیم شتر را که دوازده قران پیشنهاد کرده ایم یک تومان قرار بدهیم لابد هم بترخ یکی دیگر داشته

اسب اگر کسی صد مادیان داشته باشد و تا اسب نر بیشتر نگاه نماید این اسب که عرض کردم اگر مالیات را کم میدانند بمالیات جنس ماده افزوده کنند و نوز را بر دارند چرا که این ماده حرف جراست برای مامورین مالیه میگیرند و میکشند مینوسند شتری که نوافل ماهیانه میدهد مالیات نهدم خوب کدام مال چار و اداری است که نوافل نهدم؟ پس یک جادر خانه بگیرد یک جادر شهر ها یک جا در راهها عیب ما ها مخالفین هم اینست که بپلوی هم نمی نشینیم که نظرم آن را یکی کنیم هی پیشنهاد شود و رد شود چه فایده دارد؟ این را که بنده عرض میکنم از این نقطه نظر است و آقایان توجه فرمایند مثلا من الان هیچ مالیاتی نباید بدهم مأمور مالیه میآیند در محل سراغ من و میگویند شتری سه تومان ونیم باید بدهی اسبی سه تومان ونیم باید بدهی گوسفندی سه قران باید بدهی من که گوسفندش را ندانم اسب را هم ندانم شتر هم ندانم چه مالیاتی بدهم رئیس - در پیشنهاد خودتان حرف بزنید

اسمهیل خان قشقائی - اینست که عرض میکنم یک مالیات صحیحی وضع شود که هم ضرر دولت نباشد و هم ملاحظه رعیت در ضمن شده باشد

مخبر - نظری را که آقای قشقائی داشتند کمیسیون رسماً قبول نکرد

بنده چون میخواستم کاملاً اطلاع پیدا کنم از ایشان سؤال کردم که طرز نامه مالیه در قشقائی چه شکل است و همین توضیحاتی را که بالا هم دادند بنده نوشتم و در کمیسیون هم خیلی صحبت شد و گفته شد که مرتب همه جا مثل مراتع قشقائی نیست که مادیان و شتر در آنجا مادیان هم خیلی بیش از شتر است و بالاخره آن نظریه آقای قشقائی را هم کمیسیون نپذیرفت

از این جهت هشت قران مادیان شد و یکتومان شتر و گفته شد شتر خرجش خیلی کمتر است

یک جمله هم که فرمودند راجع بمالیات نوافل اینجا ما در نوافل ماهیانه نوشته ایم آن ها که بلیط ماهیانه شهری دارند معافند بنابراین پیشنهاد آقای کمیسیون نمی پذیرد

عدل - یک مرتبه دیگر قرائت شود (پیشنهاد آقای قشقائی مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای قشقائی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده ای برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

وزیر فواید عامه - لایحه ای که بنده

در روز تقدیم میکنم لایحه است موسوم به لایحه توسعه اقتصادی و خلاصه این لایحه این است که سالی یک کرور تومان از عوائد مملکتی از یک وجوه خاصی در یک حساب خاص گذاشته شود و این سرمایه موسوم شود سرمایه توسعه اقتصادی و در ظرف ده سال این عمل مداومت داشته باشد که در ظرف ده سال پنج میلیون ده کرور تومان از عوائد مملکتی تخصیص داده شود بتوسعه منافع اقتصادی مملکت

شرایط خرج این پول هم اینست که برای منافع اقتصادی خرج شود که آن ها هم عوائد داشته باشد و خود آن عوائد هم اضافه شود بر سرمایه توسعه اقتصادی بطوری که بعد از ده سال در موقتی که آن یک کرور تومان قطع خواهد شد خود مؤسسه دارای یک سرمایه ده کرور تومانی باشد که باز عوائد او صرف توسعه اقتصادی شود

باین طریق متدرجاً با یک سرمایه یعنی در تمام مملکت ممکن است منابع اقتصادی را دائر کرد و برای نیل باین مقصود البته ما محتاج به متخصصینی خواهیم بود چون خودمان قادر نیستیم و اطلاعات فنی ما کامل نیست مخصوصاً نظر باینکه ایران امروزه بدو چیز بیشتر از سایر منابع اقتصادی خود احتیاج دارد که یکی از آنها محتاج به مهندسین و متخصصین معادن و معالین معرفت الارض است

زیرا این مملکت معادن بسیار دارد ولی هر چه میگیریم معدن دارد خودمان هم نمیدانیم چه معادنی داریم و چه قدر داریم و بطوریکه استخراج شود

یک مطلب دیگری که محل احتیاج مملکت است قوه برق است مخصوصاً ایجاد قوه برق از آب و اصلاح سد بندی و آبیاری مملکت نهایت ضرورت را دارد و در این لایحه استخدام متخصصین برای این شعب پیش بینی شده است

البته باید بگویی بودجه مراجعه فرمایند در هر حال نظر به تنظیف وقت مجلس شورای ملی که لوایح زیادی در دست دارد و نظر به اهمیت این مطلب بنده در این لایحه تقاضای فوریت می کنم که یک شوری بیشتر نشود

رئیس - نسبت به فوریت این لایحه که تقاضای یک شوری شده است مخالفی نیست

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - فرمایند

آقا سید یعقوب - این لایحه که آقای وزیر تقدیم کردند و آن مفاهیمی که بیان کردند میخواهم عرض کنم این مفاهیم همان مرامهای اول مشروطیت است که ما همه داشتیم

ما هیچ نمیدانیم این لایحه چه چیز است؟ موضوع چیست؟ مطلبش چه چیز

است؟ کجا باید برود؟ اینست که بنده با فوریت مخالفم و عقیده ام این است که لااقل طبع و توزیع شود

رئیس - مقصود یک شوری است و به کمیسیون خواهد رفت بعد هم رأی رتس خواهد آمد

وزیر فواید عامه - بنده هم میخواستم همین فرمایش آقای رئیس را عرض کنم و ضمناً عرض کنم اولاً این مرام نیست بالاخره یک قدمهائی است که در ظرف ده سال یک منابعی از عایدات مملکت تخصیص داده می شود

یعنی سالی یک کرور تومان از عوائد مملکت کنار گذاشته میشود و در یک حساب مخصوص نگاه داشته میشود و اسم آن حساب مخصوص سرمایه توسعه اقتصادی است

شرط خرج کردن این پول هم این است که حتماً برای منافع اقتصادی صرف شود

چون اینها هم دارای عایدی هستند آن عوایدی هم که از آن منبع حاصل میشود اضافه میشود بر این سرمایه توسعه اقتصادی و بالتبع احتمالاً همچو حساب شده و تصور میشود که اگر ده کرور تومان خرج شود آن وقت در آخرد سال یک مبلغی مستقل سرمایه خواهد شد برای دائر کردن منابع دیگر اقتصادی و دیگر ما محتاج نخواهیم شد که از عوائد عمومی مملکت سالی یک کرور تومان بگیریم و خود این سرمایه مستقل کار خواهد کرد و عوایدش هم بر سرمایه اضافه میشود

این یک قسمت است

قسمت دیگر راجع با استخدام متخصصین و مهندسین برای آبیاری و سد بندی است که در لایحه پیش بینی شده و قصد بنده هم افزودیت این بود که فی المجلس مذاکره شود یا بکمیسیون نرود یا طبع و توزیع نشود

بلکه قصد بنده این بود که چون این مطلب مفید است وقت مجلس شورای ملی هم مضیق است عوض دوشوریک شوری شود والا تمام مراحل را طی خواهد کرد

رئیس رای میگیریم به فوریت یک شوری آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - در رای با اوراق که نسبت به شهریه مجدداً سلطنته افشار گرفته شد و ۶۷ رای اعلام شد در موقتی که در خارج تفتیش کردند معلوم شد دورای مکرر

بوده و زیادی داده شده بنابراین دورای کم میشود و بجای ۶۷ رای ۶۵ رای بود

لایحه تقدیمی از طرف دولت هم تصور میکنم سه کمیسیون باید ارجاع شود

یک کمیسیون خارجه باید برود از نقطه نظر استخدام چند نفر متخصص که در اینجا نوشته شده و یک کمیسیون فواید عامه و کمیسیون بودجه قشیم چون در ماده اول این لایحه قید شده است از تاریخ تصویب این قانون اجراء خواهد شد

تصور می رود که امسال تصویب شود بنابراین بکمیسیون بودجه قشیم می رود پیشنهادات واصله راجع بتبصره های ماده ۷ قرائت میشود

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای دامغانی - بنده تبصره اول خبر کمیسیون را بجای تبصره اول پیشنهاد میکنم

تبصره - مالیات فوق به حیواناتی تعلق می گیرد که در شهرها نوافل ماهیانه می دهند و نیز شتر قاطر اسب والاغ که بجهل و نقل مال التجاره برای کسب چار و اداری اشتغال دارند از ادای مالیات فوق معافند

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده توضیحاتم را عرض کردم این حیواناتی را که در قسمت دوم تبصره اول در خبر سابق کمیسیون مستثنی شده بود در خبر حالیه کمیسیون حذف شده است

در صورتیکه اگر قسمت اول که بانها مانده برای اینست که مالیات ماهیانه نوافل میدهند و بلاوه باج هم می دهند و چون هنوز باج راهها ملغا نشده است لهذا بنده پیشنهاد کردم که همان تبصره خبر سابق کمیسیون را بجای تبصره اول تصویب فرمایند

معاون وزارت مالیه نظر آقای دامغانی البته باین است که کمکی شده باشد بتسهیل تجارت

این مسئله بعنوانین مختلفه پیش بینی شده است خاصه اینکه مالیاتی که دواب قابل حمل و نقل میدهند در واقع تعاق می گیرد بمال التجاره و قیمت مال التجاره افزوده میشود و اگر مالیاتی باین دواب تعلق بگیرد دلیل بر این نیست که دواب از حمل مال التجاره بازمانند و در هر صورت حمل و نقل خودشان را میکنند

بنا بر این پیشنهاد آقای دامغانی صرف نظر از اینکه یک کسر کلی میشود نسبت بمایدات مادام که عوارض حمل و نقل و طرق شوارع وجود دارد تشخیص خیلی مشکل است و اسباب مشاجره و اختلاف بین مامورین و صاحبان دواب می شود

بعلاوه چنانکه اظهار شد یک لایحه

بجهت الغاء باجها تهیه شده است که عنقریب بپجلس شورای ملی تقدیم می شود و رفع این نگرانیها را خواهد کرد و برای اینکه خیلی این ماده در اجراء و عمل دچار زحمت نباشد بنده بهتر میدانم که در این باب تجدید نظری قبول پیشنهادی نشود که ماده یک سیاق و یک نسق باشد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مخبر - کمیسیون نمی تواند قبول کند

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای دکتر احتشام قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

راجع بماده ۷ پیشنهاد ذیل را میتوان تبصره ۲ تقدیم میکنم

تبصره ۳ - بعد از اجراء این قانون مالیات مراتع و علف چر بکلی موقوف است

رئیس - این پیشنهاد بجای تبصره سه نیست چون تبصره ۳ در ماده هست و بعنوان یک تبصره اضافی باید در آخر علاوه شود

آقای دکتر احتشام (اجازه)

دکتر احتشام - بنده از این نقطه نظر این پیشنهاد را تقدیم کردم چون در فصل تاستان در اصفهان اغنام واحشام برای چرا بفریدن میروند و مالیه اخذ مالیاتی از آن ها میکند بنده نظرم اینست که پس از تصویب این لایحه این مالیاتها ملغی شود

مخبر - من از آقای نماینده محترم تمنا می کنم که این پیشنهاد را در ماده ۱۹ بفرمایند در آنجا ما نوشته ایم هر ملک که مطابق مواد این قانون مالیات میبرد از مالیات سرانه و خانواری و سایر عوارض که تصریحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است و نظریه ایشان آنجا پیش بینی شده با این حال اگر ممکن است در آنجا پیشنهاد بفرمایند ما هم قبول می کنیم

رئیس - پس فعلاً مسترد میکنم

دکتر احتشام - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر آقایان (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره سه ماده هفت بترتیب ذیل نوشته شود

هر مالکی از پرداختن مالیات مواشی تا سه تومان و شش قران معاف است

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - مطابق عقیده کمیسیون

و توضیحاتی که آقای معاون مالیه در اینجا دادند عده حیواناتی را که در تبصره سوم ذکر کرده اند و از مالیات معاف کرده اند از نقطه نظر این بود است که ما به این احتیاج است

یعنی حداقلی است که یک نفر مالک با زارع به آن احتیاج دارد و باین دلیل هم گفته شده است که بیش از آن مقدار را مالیات خواهد داد تا این مقدار مالیات نخواهد داد

اگر این را از روی میزان اصلاح شده امروز حساب بفرمایند و تصور بکنند که یک نفر مالکی باشد که تمام حیواناتی را که ذکر شده است داشته باشد چهار تومان و شش قران مالیات بهش تعلق می گیرد که دولت از ش مالیات نمیگیرد و اگر مطابق میزان سابق که طبع و توزیع شده است بگیریم سه تومان و شش قران میشود و عقیده بنده این ماده حفظ قطعه نظر قانون گذار و وزارت مالیه را نخواهد کرد یعنی حفظ حداقل مایحتاج زارع را

چرا بدلیل اینکه وقتی قرار شد فردا یک نفر مأمور مالیه رفت در ایلات در آنجا یک نفر پیدا نخواهد شد که شتر داشته باشد

گاو داشته باشد اسب داشته باشد مادیان داشته باشد بز و میش هم داشته باشد

آنوقت مأمور مالیه باو میگوید که اگر شتر داشتی مالیات نمیگرفتم ولی چون شتر نداری و دو سب داری یک اسب معاف و از اسب دیگر مالیات میگیریم

در بعضی از قسمتهای مملکت ما هست که زارع گاو ندارد فقط چیزی که دارد گوسفند است و پنج تا بز و گوسفند را قطعاً آقایان تصدیق میفرمایند که برای احتیاج یک خانواده کفایت نمیکند

پس بنابراین بنده پیشنهاد میکنم مطابق شیفری که معین کرده اند سه تومان و شش قران باشد و اضرازی هم ندارم که سه تومان و شش قران میباشد دو تومان بکنید یا نوزده قران بکنید تفاوت ندارد اما عوض این که از نقطه حیوان معاف کنید از نقطه نظر مالیات پولی معاف کنید که هر کدام از افراد ایلات که نظر بقضایات خودش در یک قسمتی از مملکت که در آنجا ساکن است میل دارد گوسفند نگاهدارد میل دارد گاو نگاهدارد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - این چهار تبصره را روی هم وقتی که مطالعه کنیم تصور میکنم محتاج نباشیم به پیشنهاد آقای دکتر آقایان ما از یک طرف عوامل زراعتی را که گاو باشد

اللاغ باشد قاطر باشد شتر باشد کلیه آنها یک ببرد کار زراعت میخورند گفتیم از مالیات معاف

باشند و مالیات از شان نگیرند

از یک طرف هم برای ارزاق بآن زارع و حیوان دار که یک خانواده باینج بز باید رفع حوائج خودش را بکنند

با یک گاو دارد که باید رفع حوائج خودش را بکند

برای این که تعمیلی نسبت باین خانواده ضعیف حقیر نشود گفتیم معاف باشد و حتی وزارت مالیه معتقد بود که در این اقدام معافی هیچکس حق اینست که بیش از دو قلمش استفاده کند نداشتند باشد یعنی نمیشود هم یک شتر هم یک اسب و هم یک گاو و هم یک گاو ماده و هم پنج بز و میش معاف باشد

این را کمیسیون نپسندیدند و گفتند آنها ای که دارند معاف باشند و آنها یک نفر ندارند معاف نباشند

این پیشنهادی که آقای دکتر آقایان فرمودند که آنکس هم که ندارد بقدر آن کسیکه دارد او را هم معافش کنند این با اختلاف نظری که بین دولت و اصواء کمیسیون بود کمیسیون نمیتواند قبول کند

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای نظامی

(بعضی ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده یک تبصره ۱ - مالیات فوق بحیواناتی تعلق میگیرد که در شهرها نوافل میدهند و نیز شتر و قاطر و اسب والاغ و مادیان که بجهل و نقل مال التجاره و ارزاق برای کسب چار و اداری اشتغال دارند از ادای مالیات فوق معاف خواهند بود

رئیس - پیشنهاد ایشان در قسمت دوم است آن قسمت اول جزو تبصره یک هست آقای نظامی (اجازه)

نظامی - عرض میکنم آقای دامغانی مخصوصاً این مطلب را بیان کردند که آنها ای که مالیات ورود میدهند دو جانباید مالیات بدهند مالها یکبکه نوافل میدهند باید از تادیه مالیات معاف باشند حالا اختیار با آقایان است میفرمایند هم باید مالیات ورودی بدهند هم مرتب چرانی بدهند هم این مالیات را بنده هم عرض ندارم فقط برای ادای وظیفه این پیشنهاد را کردم

مخبر - این تقریباً همان پیشنهاد آقای شریعتمدار است که رد شده و کمیسیون نمیتواند قبول کند

رئیس اینجاست حمل و نقل ارزاق هم علاوه شده است

معاون وزارت مالیه - برای ارزاق هم هیچ نگرانی نیست بجهت اینکه در همه استه برای حمل و نقل ارزاق کلیه احتیاجاتی که هست تأمین شده در آتی هم اگر احتیاج پیدا شود که ارزاقی حمل و نقل بکنیم گمان میکنم معاف باشند و هیچ نگرانی در این باب نیست

رئیس - مورد پیشنهاد ایشان فقط مالهای می شوند که حمل و نقل ارزاق میکنند زیرا آن قسمت های دیگر رد شده است

رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بعضی ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره دوم ماده هفت تاریخ ۱۳ امهرماه را تبصره دوم هر خانواده از پرداخت مالیات عده حیوانات دین معافند

اول - شتر یک نفر

دوم - گاو ماده شیرده دوراس یا در عوض آن میش و بز ماده دوراس سوم - بز ماده و میش پنج رأس

چهارم - اسب یا مادیان یک رأس

پنجم - قاطر یک رأس

ششم - برای هر جفت گاو کار الاغ دوراس

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده که این را پیشنهاد را کردم دو جهت داشت یک جهت این که این رأی رتی را که کمیسیون داده است همه تصدیق دارند که طبع و توزیع شده بود بنده که عضو کمیسیون قوانین مالیه نبودم که آقای حائری زاده بگویند تو چرا نیامدی در کمیسیون قوانین مالیه بنده نباید بیایم شما باید طبع و توزیع کنید ما مستعضر شوم

بالاخره این ماده اخیر باین ترتیب تنظیم و مطرح شد و بنده هیچ این تبصره ها را نفهمیدم این تبصره ها که مال آن لایحه سابق است ما مطالعه کرده ایم و جزئیات آن را نفهمیده ایم این بود که بنده این پیشنهاد را کردم و دیگر اینست که در اینجا می نویسد

دوم گاو ماده دوراس یا در عوض آن بز و میش ماده ده رأس است اینک این جا آمده اند پنج رأس کرده اند چیست اصنام است بنده توجه دارم که نسبت بمالیاتی که میبزی میشود تعادل کنیم این یک اشتباهی شده است ما پس ما با بنای بنده مالیه

ما نظرم آن به ترتیب عواید نیست

ترتیب عواید جای دیگر دارد نظر بتجدیل مالیات است نظر دولت و مجلس هما اینست که مالیاتها تعدیل شود نه اینکه عایدات زیاد

شود اینست که بنده این پیشنهاد را کردم و دیگر خواستم عرض کنم در این جا عنوان جمعی است بنده هنوز ندانسته‌ام. حالا اگر کسی سه شتر داشته باشد یکپیش استثناء می‌شود از دوتای دیگرش گرفته میشود. یا اینکه آنکسی که دارای سه شتر شد آن یکپیش هم مستثنی نمی‌شود؟

مخبر - بلی مستثنا می‌شود

آقا سید یعقوب - البته این پیشنهادی که بنده کرده‌ام بهتر است از خوری که کمیسیون تقدیم کرده. حالا بسته است بنظر آقایان.

معاون وزارت مالیه - اینکه آقای آقا سید یعقوب میفرمایند صحیح است. نظر پیش آوردن تعادل است در امر مالیات و منظور تکثیر عایدات نیست بنده هم عرض کردم منظور دولت از این لایحه این نیست که استفاده کند و بر عواید چیزی مزید شده باشد.

فقط چیزی که در نظر گرفته شده این است که سومی بکنیم حتی الامکان از میزان عایدی که تا بحال داشته‌ایم کسر و نقصانی حاصل نشود.

پس منظور دولت هم رعایت مردم است و هم اینکه کسرو نکس فاحشی پیدا نشود. این پیشنهادی را که آقای آقا سید یعقوب می‌فرمایند در واقع تفاوتش با تبصره که در کمیسیون تنظیم شده است در این قسمت بیشتر نمایان است که علاوه فرموده اند بقلا نقد ررأس هم از بزمیش معافیت داده شود.

احتیاجات يك خانوار در کمیسیون به جزئیات در نظر گرفته شد و این مقداری را که در تبصره آنجا گذارده شده است بیش از این لازم دانسته نشده عرض کرده تا هر اندازه که مقدور شود و بشود نسبت بخانوار و غیره رعایت کرد خیلی خوبست. منظور همه هم هست و لیکن در يك حدی که تمام ملاحظات درش منظور شده باشد.

رئیس - آقای مخبر چه می‌فرمائید؟

مخبر - نمی‌توانم قبول کنم.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب راجع بتبصره دو ماده هفت راپرت سابق کمیسیون است رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تابل توجه می‌دانند قیام فرمایند.

(اغلب بر ناستند)

رئیس - قابل توجه شد

پیشنهاد ختم جلسه شده است ماده هفت پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و سایر پیشنهاداتی هم که قرائت نشده است به کمیسیون ارجاع می‌شود. جلسه آتیه روز سه شنبه.

رضوی - پنجشنبه. سه شنبه وفات است.

رئیس - وفات - شرعاً و معمولاً فردا

است و فردا هم ادارات تعطیل است و مجلس هم تعطیل خواهد بود ولی حالا اگر بخواهید پس فردا را ضمیمه بفرمائید باید پیشنهاد کنید رأی بگیریم.

رضوی - بنده پیشنهاد می‌کنم پنجشنبه باشد.

رئیس - پیشنهاد شفاهی کافی نیست.

جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت و نیم

قبل از ظهر دستور هم بقیه دستور امروز

(مجلس نیم ساعت بعد از

ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -

سید محمد تدین

منشی - م. شهاب

منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۴۴

صورت مشروح مجلس

سه شنبه نهم از ماه هزار

و سیصد و چهار مطابق

چهارم جمادی الاول

هزار و سیصد و چهل و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر

بر ریاست آقای تدین تشکیل گردید

(صورت مجلس یکشنبه هشتم آذر

ماه را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت

نمودند)

رئیس - آقای اکبر میرزا

(اجازه)

اکبر میرزا - بنده در جلسه سابق

که حاضر نبودم مبتلا بسر درد سختی شده

بودم که نتوانستم حاضر شوم و عریضه هم

بمقام محترم ریاست عرض کردم. چون

مریض بودم استدعا میکنم امر فرمایند با

اجازه نوشته شود

رئیس - اصلاح می‌شود. آقای

سلطانی

(اجازه)

سلطانی - بنده را در صورت مجلس

غایب بی اجازه نوشته اند در صورتی که از

مقام ریاست اجازه خواسته بودم

رئیس - اصلاح می‌شود. آقای

شیروانی

(اجازه)

شیروانی - بنده هم است اجازه کرده

بودم.

رئیس - مراجعه می‌شود. آقای

دادگر

(اجازه)

دادگر - بنده درست نشنیدم که بنده

را غائب مجاز نوشته اند یا بی اجازه اگر

بی اجازه نوشته اند عرض دارم

رئیس - غائب بی اجازه نوشته شده

است.

دادگر - بنده بوسیله تلفون خدمتتان

عرض کردم که مریضم و اجازه خواستم به

بنده اطلاع دادند که عرض بنده اجابت

شده از طرف کمیسیون هم به بنده اطلاع